

Organizational capital and company auditor selection

Mohsen Khaniyan¹, Reza Gholami-Jamkarani²

¹ Master's Degree, Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
mo.khaniyan@gmail.com

² Associate Professor, Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding author). fiaccqomiau@gmail.com

Abstract

Purpose: The present study investigates whether companies with high organizational capital are more likely to use high-quality audits or not.

Method: In line with the research's purpose, panel data of Tehran Stock Exchange companies from 2012 to 2021 was utilized. Logistic regression, considering the effects of year and industry, was employed to test the hypotheses.

Findings: Organizational capital has a positive and significant impact on auditor selection based on size and expertise. Given that high-quality auditing can effectively mitigate information asymmetry, organizations with greater organizational capital will likely have a higher demand for top-notch auditing services. Organizational capital, being an intangible asset, can contribute to information asymmetry, which in turn raises the company's capital costs. Consequently, companies with substantial organizational capital are inclined to conduct superior quality audits to diminish information asymmetry and enhance investor trust by delivering reliable information.

Conclusion: Given the significance of corporate capital reporting and its audit, it is recommended that accounting and financial reporting regulators focus on corporate capital requirements and enhance and standardize the rules and regulations concerning corporate capital reporting. Furthermore, investors, professors, researchers, and other stakeholders should recognize organizational capital as a crucial factor influencing the quality of financial reports utilized by managers.

Keywords: Organizational capital, Intangible assets, Information asymmetry, Auditor, company capital.

<http://sebaa.journal.qom-iau.ac.ir/>

Received: 2023/09/12 ; Revised: 2023/10/15 ; Accepted: 2023/11/05 ; Published online: 2023/12/23

Publisher: Qom Islamic Azad University

Article type: Research Article

© The Author(s).



سرمایه سازمانی و انتخاب حسابرس شرکت

محسن خانیان^۱، رضا غلامی جمکرانی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mo.khaniyan@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). fiaccqomiau@gmail.com

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخته که در شرکتهایی با سرمایه سازمانی بالا، احتمال بیشتری برای استفاده از حسابرسی با کیفیت بالا وجود دارد یا خیر؟

روش: در راستای هدف پژوهش از داده‌های شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰، که به صورت پنل دیتا تهیه شده‌اند، و از رگرسیون لجستیک با اثرات سال و صنعت برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها: سرمایه سازمانی تاثیر مثبت و معناداری بر انتخاب حسابرس از نظر اندازه و تخصص دارد. با توجه به اینکه حسابرسی با کیفیت بالا می‌تواند به طور موثر عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد، شرکتهایی با سرمایه سازمانی بیشتر تقاضای بیشتری برای حسابرسی با کیفیت بالا خواهند داشت. سرمایه سازمانی به‌مثابه دارایی نامشهود می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را در پی داشته باشد. این عدم تقارن اطلاعاتی موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت می‌شود. بر این اساس، شرکتهایی با سرمایه سازمانی بیشتر تمایل به انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر، برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، برای تهیه اطلاعات با کیفیت دارند.

نتیجه‌گیری: نظر به اهمیت گزارشگری سرمایه سازمانی و حسابرسی آن، پیشنهاد می‌شود تنظیم‌کنندگان مقررات در حسابداری و گزارشگری مالی به الزامات سرمایه سازمانی توجه کنند و قوانین و مقررات مربوط به گزارشگری سرمایه سازمانی را بهبود و استاندارد نمایند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران، اساتید، پژوهشگران و سایرین، سرمایه سازمانی را به عنوان عامل موثر بر کیفیت گزارش‌های مالی که توسط مدیران به‌کار گرفته می‌شود را مورد توجه قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه سازمانی، دارایی نامشهود، عدم تقارن اطلاعاتی، حسابرس، سرمایه شرکت.

۱. مقدمه

سرمایه‌سازمانی مهم‌ترین دارایی نامشهودی است که در ساختار سازمانی و شالوده‌های تکنولوژی مشارکت داده می‌شود، تا از طریق استقرار دانش، زمینه بهبود کارایی عملیاتی شرکت را فراهم سازد. این مفهوم در ادبیات مالی معاصر مورد توجه زیادی قرار گرفته است (قجریگی و سجادی، ۱۴۰۰). به راحتی می‌توان نمونه‌هایی از سرمایه‌سازمانی در شرکت‌ها را نام برد، مانند سرمایه‌انسانی و دانش انباشته شده در مورد نحوه استخدام، تخصیص و آموزش افراد در یک سازمان، سیستم‌ها و فرآیندهای منحصربه‌فرد مورد استفاده در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، تولید و فروش شرکت، فناوری اطلاعات و ارتقاء برند ایجاد شده توسط شرکت‌ها (لیم، کالج و شین^۱، ۲۰۱۹). به عنوان یک منبع جمعی، سرمایه‌سازمانی به عنوان عامل اصلی تولید در نظر گرفته می‌شود که برای شرکت منحصربه‌فرد است، بنابراین قادر به بازده غیرعادی بوده و در نتیجه باعث رشد شرکت می‌شود (لو و راداکریشنان^۲، ۲۰۰۵).

اهمیت سرمایه‌سازمانی در مطالعات دانشگاهی شتاب بیشتری یافته است، به گونه‌ای که نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که سرمایه‌سازمانی نه تنها در عملکرد شرکت، بلکه در سیاست‌گذاری شرکت نیز نقش دارد. لوستیگ، سیورسون و وان نیئووربورگ^۳ (۲۰۱۱) دریافتند که سرمایه‌سازمانی به افزایش نابرابری دستمزد مدیرعامل و حساسیت پرداخت مبتنی بر عملکرد و کاهش همراه در تخصیص مجدد بازار نیروی کار کمک می‌کند. علاوه بر این، سرمایه‌سازمانی و استفاده از آن نیز توضیحات احتمالی را برای تصمیمات شرکتی، مانند نگهداشت وجه نقد (قجریگی و سجادی، ۱۴۰۰)، بازده سهام (عسکرزاده و رسالت، ۱۳۹۸) و ادغام‌ها و تملک‌ها (لی و ژانگ^۴، ۲۰۱۵؛ لی، گنو و شن^۵، ۲۰۱۸) ارائه می‌دهد.

سرمایه‌سازمانی که یک منبع نامشهود است، در ترازنامه شرکت‌ها دیده نمی‌شود و سرمایه‌گذاری در آن به عنوان هزینه تلقی می‌شود. هزینه کردن باعث ایجاد ابهام در بین سرمایه‌گذاران در مورد ارزش دارایی‌های نامشهود شده و در نتیجه شکاف اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد (موحد^۶، ۲۰۰۵). انگیزه بررسی این موضوع از آنجایی ناشی می‌شود که شرکت‌هایی با

1. Lim, College & Qin
2. Lev & Radhakrishnan
3. Lustig, Syverson & Van Nieuwerburgh
4. Li & Zhang
5. Li, Qiu & Shen
6. Mohd

دارایی‌های نامشهود قابل توجهی که بیشتر آنها در صورت‌های مالی شرکت‌ها شناسایی نمی‌شوند، دارای عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر بین مدیران و سرمایه‌گذاران و عدم اطمینان ذاتی بیشتری در مورد ارزش شرکت نسبت به سایر شرکت‌ها هستند (بارت و کازنیک^۱، ۱۹۹۹).

تئوری نمایندگی بیان می‌کند که با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی با کیفیت افزایش می‌یابد. خدمات حسابرسی به عنوان ابزاری برای کاهش مشکل عامل مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذار، به خوبی مستند شده و به طور گسترده توسط شرکت‌ها پذیرفته شده است، در حالی که کیفیت حسابرسی که میزان سود ایجاد شده برای سرمایه‌گذار را اعتباربخشی می‌کند، در مؤسسات حسابرسی متفاوت است. بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخته که در شرکت‌هایی با سرمایه‌سازمانی بالا، احتمال بیشتری برای استفاده از حسابرسی با کیفیت بالا وجود دارد یا خیر؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. انتخاب حسابرس شرکت

مطالعات مربوط به انتخاب حسابرس درصدد پاسخ به این پرسش هستند که چه عواملی بر رفتار انتخاب یک موسسه حسابرسی از بین مؤسسات مختلف حسابرسی، به عنوان حسابرس شرکت موثر است. انتخاب حسابرس یا تغییر حسابرس از نظر درک وضعیت بازار خدمات حسابرسی و میزان رقابت در حرفه حسابرسی اهمیت ویژه‌ای دارد.

رمضان‌پور شلمانی (۱۳۹۹) در پژوهشی مالکیت نهادی را با تمرکز بر مالکیت و انتخاب حسابرس بررسی کرد. با توسعه شرکت‌های سهامی، مسأله پراکندگی مالکیت ایجاد شد که هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌داد. از این‌رو تمرکز مالکیت به عنوان راهکاری برای کاهش تعارضات نمایندگی مورد توجه قرار گرفت. از طرف دیگر، حسابرسان به عنوان عاملی اثرگذار برای کاهش تعارضات نمایندگی مورد توجه قرار دارند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وجود مالکیت نهادی با انتخاب حسابرسان بزرگ، رابطه معنی‌دار و منفی دارد و وجود تمرکز مالکیت بالا، رابطه معنی‌داری با انتخاب حسابرسان بزرگ ندارد.

خواجه‌پور گودرزی و سرمدی‌نیا (۱۳۹۸)، در پژوهشی نشان دادند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با انتخاب حسابرسان مبتنی بر شهرت وی در سطح صنعت، رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. شرکت‌هایی که بیشتر نسبت به افشای مسئولیت‌های اجتماعی خود اقدام می‌کنند، تمایل دارند

تا حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل شرکت انتخاب نمایند که در بین شرکت‌های صنعت از اعتبار بالاتری برخوردار هستند.

طبق بیانیه مفاهیم استقلال، آشنایی، یکی از عوامل تهدیدکننده استقلال است. تداوم همکاری حسابرس و صاحبکار، رابطه نزدیک بین دو طرف را بدنبال دارد. این رابطه صمیمانه ممکن است به کوتاه آمدن حسابرس در اختلاف‌نظرهای پیش آمده در حین کار حسابرسی یا حتی تبانی بین حسابرس و مدیریت صاحبکار منجر شود. تجربه رابطه شرکت انرون و موسسه حسابرسی آرتور اندرسون مثال خوبی برای نزدیکی بیش از حد حسابرس به مدیریت است. این رسوایی‌ها توجهات را به سمت تأثیر منفی عدم تغییر حسابرس بر استقلال و کیفیت حسابرسی جلب کرد و گرایش به اعمال تغییر اجباری حسابرس را به همراه داشت (مرادی و امیدفر، ۱۳۹۵).

تغییر حسابرس باعث تقویت استقلال حسابرس می‌شود؛ چراکه با تداوم انتخاب حسابرس، انگیزه‌های اقتصادی وی برای حمایت از صاحبکار خود افزایش می‌یابد و در نهایت منجر به شکست حسابرسی می‌شود (لیم و همکاران، ۲۰۱۹). در حمایت از تغییر اجباری حسابرسان، پژوهشگران بیان می‌کنند که اعمال قانون تغییر اجباری حسابرس، منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود.

نتایج تحقیق کریشنان^۱ (۲۰۰۷) نیز حاکی از آن بود که صاحبکاران موسسه حسابرسی آرتور اندرسون که بعد از فروپاشی این موسسه در سال ۲۰۰۲ مجبور به تغییر حسابرس خود شده بودند، نسبت به قبل، سودهای محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کردند. به اعتقاد وی، حسابرسان و مدیران شرکت‌ها، به ویژه حسابرسان و مدیران شرکت‌های بزرگ، از محافظه‌کاری به‌عنوان یک راهبرد مدیریت ریسک بهره می‌گیرند. شناسایی سریع‌تر اخبار ناخوشایند درباره وضعیت، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی آتی می‌تواند یک سپر دفاعی در برابر طرح دعاوی حقوقی بالقوه علیه حسابرسان و مخاطرات اخلاقی مدیران شرکت‌ها باشد. نتایج برخی تحقیقات مخالف تغییر مکرر حسابرس هستند. از دید مخالفان این سیاست، تداوم همکاری حسابرس و صاحبکار، ریسک حسابرسی را کاهش می‌دهد (مرادی و امیدفر، ۱۳۹۵). از این جهت که در محیط اقتصادی امروز، با وجود فعالیت‌های اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی، کسب شناخت برای حسابرس کار بسیار مشکلی است و طبیعتاً نیاز به زمان دارد.

۲-۲. سرمایه‌سازمانی

سرمایه سازمانی^۲ نشان‌دهنده دانش، قابلیت‌ها، فرهنگ، فرآیندهای تجاری و سیستم‌های یک

1. Krishnan

2. Organizational capital

شرکت است که تطبیق مهارت‌های انسانی و سرمایه فیزیکی را برای افزایش کارایی سازمان تسهیل می‌کند. در اصل، سرمایه سازمانی تا حدی در دانش و تخصص سازمانی (اتکسون و کیهو،^۱ ۲۰۰۵)، فرآیندها و شیوه‌های تجاری (ایونسون و وستفال، ۱۹۹۵)، برنامه‌های استخدام، آموزش و طراحی کار (بلک و لینچ،^۲ ۲۰۰۵)، و همچنین در سرمایه انسانی پویا شرکت مانند مدیران، مهندسان، فروشندگان و کارکنان تحقیقاتی (آیسفلد و پاپانیکلاؤ،^۳ ۲۰۱۴) سازمان تعبیه شده است. اهمیت سرمایه سازمانی با سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در این منابع، که طی دو دهه گذشته به طور پیوسته در حال رشد بوده است، مورد تأکید قرار گرفته است (آیسفلد و پاپانیکلاؤ، ۲۰۱۴). سرمایه سازمانی مهم‌ترین دارایی نامشهودی است که در ساختار سازمانی و شالوده‌های تکنولوژی مشارکت داده می‌شود، تا از طریق استقرار دانش، زمینه بهبود کارایی عملیاتی شرکت را فراهم سازد. این مفهوم در ادبیات مالی معاصر بسیار مورد توجه قرار گرفته است (قجریگی و سجادی، ۱۴۰۰).

سرمایه سازمانی نوعی سرمایه دانش نامشهود است. برای رقابت در محیط کسب‌وکار مبتنی بر دانش، دارایی‌های نامشهود برای موفقیت شرکت بسیار مهم هستند (ادمانز،^۴ ۲۰۱۱). طبق نظر پرسکات و ویشر (۱۹۸۰)، یک شرکت می‌تواند سرمایه سازمانی را از طریق سرمایه‌گذاری در دانش انباشته‌ای که به شرکت اجازه می‌دهد کارکنان را با پروژه‌ها و تیم‌هایی که مناسب آنها (مثلاً از طریق مصاحبه‌های چندمرحله‌ای) و سرمایه انسانی کارکنان است، توسعه دهد (به عنوان مثال، از طریق کارگاه‌های توسعه حرفه‌ای و فرآیندهای آموزشی). به طور کلی، سرمایه سازمانی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا به طور موثر از منابع انسانی خود استفاده کنند (کارلین، چادوری و گارمیز،^۵ ۲۰۱۲).

سرمایه سازمانی مانعی برای رقبا در بازار، ارتباط اجرایی، بهبود روند تجاری (تجارت الکترونیکی)، افزایش درآمد، کاهش هزینه و بهبود کیفیت ایجاد می‌کند. سرمایه سازمانی به عنوان منبع هوشمندی رقابتی، یک ابزار مشارکت داخلی، درون صنعت و بین‌المللی می‌باشد و چرخه تولید را کوتاه کرده و ظرفیت سازمان را افزایش می‌دهد. شرکت‌ها دارای سرمایه سازمانی برای حفظ دانش و اطلاعات اولویت‌های مشتری در سیستم‌های اطلاعات سازمانی، می‌کوشند. سیستم‌های اطلاعات استراتژیک، اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که انتشار پیوسته فروش را تسهیل می‌کند و منجر به مزیت رقابتی در طرح تولید بهتر و ذخیره‌های سرمایه کمتر می‌شود و به تولیدکننده اجازه انتخاب تأمین‌کننده بهتر و اطلاع از

1. Atkeson & Kehoe
2. Black & Lynch
3. Eisfeldt & Papanikolaou
4. Edmans
5. Carlin, Chowdhry & Garmaise

تکنولوژی‌های مورد استفاده رقبا را می‌دهد.

۳-۲. معیار اندازه‌گیری سرمایه‌سازمانی

از آنجایی که سرمایه‌سازمانی دانش، تخصص، فرآیندها و سیستم‌های کسب‌وکار را درون خود انباشته است، قسمتی از هزینه‌های فروش، عمومی و اداری شرکت برای اندازه‌گیری سهم سرمایه‌سازمانی شرکت استفاده می‌شود. بخش بزرگی از هزینه‌های فروش، عمومی و اداری شامل هزینه‌های مربوط به زیرساخت فناوری اطلاعات، سیستم‌های اطلاعاتی، تحقیق و توسعه، آموزش کارکنان، ایجاد دانش، مشاوره استراتژیک، ارتقای برند و بهبود فرآیندهای کسب‌وکار است (آیسفلد و پاپانیکولاو، ۲۰۱۳).

آیسفلد و پاپانیکولاو (۲۰۱۳) و لی و همکاران (۲۰۱۸) اندازه‌گیری بر مبنای هزینه‌های فروش، عمومی و اداری برای سرمایه‌سازمانی را با روش‌های مختلف تأیید کرده‌اند.

آیسفلد و پاپانیکولاو (۲۰۱۳) از پرونده‌های K-۱۰ استفاده کردند تا نشان دهند که شرکت‌هایی با هزینه‌های فروش، عمومی و اداری با سرمایه‌بالا (یعنی شرکت‌های با سرمایه‌سازمانی بالا) احتمال بیشتری دارد که خروج استعدادهای کلیدی را که تجسم سرمایه‌سازمانی یک شرکت هستند، به عنوان یک عامل خطر اصلی معرفی کنند. هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، با نمره کیفیت مدیریتی، همبستگی مثبت دارد. در این پژوهش از داده‌های بودجه هزینه‌های فناوری اطلاعات استفاده شده تا تأیید شود که شرکت‌های با سرمایه‌سازمانی بالا، تقاضای بیشتری برای فناوری اطلاعات دارند. در نهایت سطوح بالاتری از بهره‌وری در شرکت‌های با سرمایه‌سازمانی بالا، پس از محاسبه سرمایه‌فیزیکی و نیروی کار ثبت گردید.

علاوه بر این، لی و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان دادند که هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، با سرمایه‌بالا با نمره توانایی مدیریتی توسعه یافته توسط دمرجیان، لو و ام‌سی‌وی^۱ (۲۰۱۲)، رابطه مثبت دارد. در مجموع، این یافته‌ها از آزمون‌های اعتبارسنجی چندگانه از این دیدگاه حمایت می‌کنند که معیار هزینه‌های فروش، عمومی و اداری سرمایه‌گذاری شده در واقع یک نماینده معتبر برای سرمایه‌سازمانی است، که نشان‌دهنده دانش، تخصص، فرآیندهای تجاری و سیستم‌های انباشته درونی و چندوجهی شرکت است که تطابق بین نیروی کار را تسهیل می‌کند و سرمایه‌فیزیکی به شرکت اجازه می‌دهد تا از منابع خود برای بهبود کارایی سازمانی، از جمله کارایی مالیاتی، به نحو احسن استفاده کند.

۴-۲. سرمایه‌سازمانی و انتخاب حسابرس

شرکت‌هایی با دارایی‌های نامشهود بیشتر، پوشش تحلیلی‌گری بیشتری دارند و تحلیلی‌گران تلاش بیشتری برای دنبال کردن چنین شرکت‌هایی انجام می‌دهند، زیرا دارایی‌های نامشهود معمولاً در صورت‌های مالی شرکت‌ها شناسایی نمی‌شوند و برآورد ارزش منصفانه آنها افشاء نشده و اطلاعات مالی آنها بدون پوشش تحلیلی‌گر، احتمالاً محتوای اطلاعاتی کمتری خواهند داشت (لیم و همکاران، ۲۰۱۹).

موحد (۲۰۰۵) تأثیر پذیرش SFAS شماره ۸۶ را که مستلزم سرمایه‌گذاری برخی از هزینه‌های توسعه نرم‌افزار بر عدم تقارن اطلاعات است، مورد بررسی قرار داد و دریافت که عدم تقارن اطلاعاتی برای شرکت‌هایی که این مخارج را سرمایه‌گذاری می‌کنند، به طور قابل توجهی کمتر از شرکت‌هایی است که این هزینه‌ها را هزینه می‌کنند. این یافته‌ها با این منطق سازگار است که هزینه کردن باعث ایجاد ابهام در بین سرمایه‌گذاران در مورد ارزش دارایی‌های نامشهود می‌شود و در نتیجه تقارن اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. سرمایه‌سازمانی نیز به عنوان هزینه‌هایی گزارش می‌شود که شناسایی و ردیابی آنها دشوار است؛ زیرا همیشه به اقلام مختلف در صورت سود و زیان اشاره می‌کنند. این مهم منجر به عدم اطلاعات قابل اعتماد سرمایه‌گذاران از ارزش سرمایه‌سازمانی در مدل‌های ارزش‌گذاری شرکتی آنها می‌شود. حتی برای تحلیلی‌گران مالی، واسطه‌های اطلاعاتی عمده در بازارهای سرمایه، به دلیل عدم وجود اطلاعات مرتبط در مورد این منبع در گزارش‌های مالی شرکت‌ها، نمی‌توانند به طور کامل ارزش سرمایه‌سازمانی شرکت‌ها را درک کنند (لو و راداکریشن، ۲۰۰۵).

در نهایت، طبق دیدگاه استین (۱۹۸۹) و ادمانز (۲۰۱۱)، به طور کلی، افراد برون‌سازمانی شرکت در ارزیابی ارزش دارایی‌های نامشهود مشکل بیشتری دارند. برعکس، ارزش‌گذاری دقیق دارایی‌های نامشهود برای افراد درون‌سازمانی شرکت نسبتاً آسان است. روی هم رفته، به دلیل ناملموس بودن، سرمایه‌سازمانی می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد برون‌سازمانی و درون‌سازمانی شرکت را تشدید کند.

هیلی و پالپو (۲۰۰۱) در پژوهشی نشان دادند که عدم تقارن اطلاعات یکی از عوامل کلیدی تقاضا برای کیفیت حسابرسی است. عدم تقارن اطلاعاتی تشدید شده توسط سرمایه‌سازمانی مشکل‌ساز است؛ زیرا عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد بیرونی و درونی شرکت می‌تواند هزینه سرمایه بالاتری را القاء کند.

افراد برون‌سازمانی شرکت، مانند سرمایه‌گذاران، ممکن است سرمایه‌گذاری شرکت در سرمایه‌سازمانی را ناکارآمد در نظر بگیرند، بنابراین، نرخ بازده بالاتری را طلب می‌کنند.

ایسفلد و پاپانیکلاو^۱ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی دریافتند که شرکت‌هایی با سرمایه‌سازمانی بیشتر، دارای بازده متوسط ۴/۶ درصد بیشتر از شرکت‌هایی با سرمایه‌سازمانی کمتر هستند. برای کاهش این نوع فشار رو به بالا بر هزینه سرمایه، شرکت‌هایی با سرمایه‌سازمانی بیشتر، تقاضای بیشتری برای حسابرسی با کیفیت بالا خواهند داشت. از آنجایی که خدمات حسابرسی یکی از مکانیسم‌های کاهش هزینه‌های نمایندگی مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)، در نتیجه عدم اطمینان سرمایه‌گذار و ریسک درک شده را کاهش می‌دهد (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). بنابراین، می‌توان انتظار داشت که منافع حاصل از حسابرسی با کیفیت، متفاوت باشد.

مطالعاتی که با استفاده از نام حسابرسان بزرگ به عنوان نماینده کیفیت حسابرسی انجام شده است، کاهش قیمت کمتر در عرضه‌های اولیه، ضرایب پاسخ سود بیشتر، و هزینه سرمایه کمتر را برای مشتریان حسابرسان بزرگ گزارش کرده‌اند (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ داویدسون و نیو، ۱۹۹۳؛ چن، چن و سو، ۲۰۰۱؛ فورمن، ۲۰۰۶). جریان دیگری از ادبیات که از تخصص صنعت به عنوان نماینده کیفیت حسابرسی استفاده می‌کند، ارتباط مثبت بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود، و رابطه منفی بین تخصص حسابرسان در صنعت و هزینه سرمایه (رایشلت و وانگ^۲، ۲۰۱۰؛ کریشنان، لی و وانگ^۳، ۲۰۱۳) نشان می‌دهد.

انتظار می‌رود حسابرسان با کیفیت بالا که می‌توانند جریان اطلاعات خاص شرکت را به طور مؤثرتری به بازار سرمایه تسهیل کنند، مورد استقبال شرکت‌هایی با سرمایه‌سازمانی فشرده قرار گیرند. بنابراین، فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

شرکت‌های با سرمایه‌سازمانی بیشتر، از حسابرسان با کیفیت بالاتر استفاده می‌کنند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به بررسی تاثیر سرمایه‌سازمانی بر انتخاب حسابرس شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. روش پژوهش از نظر محتوا و ماهیت، از نوع همبستگی است که با به‌کارگیری داده‌های تاریخی استخراج شده از ارقام صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به تحلیل ارتباط همبستگی می‌پردازد. پس از استخراج، طبقه‌بندی و تلخیص، داده‌ها وارد نرم‌افزار اکسل شدند. در نرم‌افزار اکسل

داده‌ها ابتدا به تفکیک سال و نماد طبقه‌بندی شده و سپس برای سهولت در اجرای نرم‌افزار آماری، به صورت پنل دیتا درآمدند. سپس نتایج حاصله برای آزمون مدل پژوهش با استفاده از رگرسیون چندمتغیره با اثرات سال و صنعت در نرم‌افزار استاتا^۱ تحلیل شده و آزمون‌های آماری لازم انجام گردید.

جامعه پژوهش حاضر مشتمل بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (بازار اصلی) بودند. روش انتخاب نمونه، غربالگری بوده و از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی که پس از غربال باقی ماندند، انتخاب شدند.

نمونه مورد مطالعه دارای ویژگی‌های زیر بودند:

✦ پایان سال مالی شرکت‌ها پایان اسفندماه بوده و سال مالی در طول دوره پژوهش تغییر نکرده باشد.

✦ جزء شرکت‌های تولیدی باشند.

✦ شرکت‌ها از ابتدای سال ۱۳۹۱، تا پایان سال ۱۴۰۰ عضو فعال بورس اوراق بهادار باشند.

✦ اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها طی دوره پژوهش موجود باشد.

جدول ۱- روند انتخاب نمونه

۳۵۱	کل شرکت‌های فعال در وبگاه بورس اوراق بهادار تهران
۱۰۲	کسر شود: شرکت‌های غیرتولیدی (از قبیل املاک، واسطه‌گری مالی، بیمه و بانک هلدینگ مالی، حمل و نقل و لیزینگ)
۵۶	کسر شود: نبودن اسفند به عنوان پایان سال مالی و تغییر سال مالی و صورت‌های مالی در کدال وجود ندارد یا ناقص است.
۴۵	کسر شود: شرکت‌های تک رقمی در صنعت و نبود قیمت سهام پایان سال بدلیل توقف مقطعی معاملات
۱۷	کسر شود: پذیرش در بورس بعد از سال ۹۱
۱۳۱	شرکت‌های باقیمانده در دسترس

پیرو مطالعه لیم و همکاران (۲۰۱۹) از برآوردگر لجستیک برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده

شده است:

$$AC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 ORG_C_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 LEV_{i,t} + \alpha_4 INV_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 GROWTH_{it} + \alpha_7 CURR_{it} + \alpha_8 ATUR_{it} + YEAR + INDUSTRY + \varepsilon_{i,t}$$

رابطه (۱)

۱-۳. متغیر وابسته

۱-۱-۳. انتخاب حسابرس شرکت (AC)

مطابق پژوهش لیم و همکاران (۲۰۱۹) از دو نماینده متفاوت برای انتخاب حسابرس استفاده می‌شود. تحقیقات قبلی استدلال می‌کنند که اندازه موسسات حسابرسی می‌تواند به طور مثبت با کیفیت حسابرسی مرتبط باشد. در این پژوهش از حسابرسی صورت‌های مالی شرکت توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی معتمد بورس دارای طبقه یک (طبقه‌بندی ۱۴۰۱) به عنوان معیار انتخاب حسابرس استفاده شده است (صباغیان‌طوسی، ۱۳۹۲؛ مهدوی، منفردمه‌ارلویی و ابراهیمی، ۱۳۹۰؛ حساس‌یگانه و حیدری، ۱۳۸۸). بنابراین، متغیر انتخاب حسابرس (AC1) دوجهی است، اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و یا مؤسسات حسابرسی دارای طبقه یک باشد، برابر با (۱) است، در غیر این صورت برابر با (۰) خواهد بود.

همچنین پیرو مطالعه رایشلت و وانگ (۲۰۱۰) و کریشان و همکاران (۲۰۱۳)، تخصص حسابرس در صنعت برای اندازه‌گیری متغیر انتخاب حسابرس استفاده شده است که آن را با سهم بازار دارایی‌های حسابرسی شده هر گروه صنعتی تعریف می‌کنند. بنابراین، متغیر انتخاب حسابرس (AC2) دوجهی است، اگر حجم دارایی‌های حسابرسی شده توسط حسابرس شرکت از $\frac{1}{2}$ * (تعداد شرکت موجود در صنعت/۱) بیشتر باشد، حسابرس متخصص است و این متغیر مقدار (۱) می‌گیرد، در غیر این صورت برابر با (۰) است.

۲-۳. متغیر مستقل

۱-۲-۳. سرمایه‌سازمانی (ORG_C)

آیسفلد و پاپانی‌کولانو (۲۰۱۳) هفت آزمون تجربی را برای تأیید اینکه هزینه‌های فروش، عمومی و اداری (SG&A) معیاری قابل اعتمادی برای سرمایه‌سازمانی هستند، انجام دادند. مخارج فروش، عمومی و اداری نشان‌دهنده تمام هزینه‌های غیرمولد از جمله زیرساخت فناوری اطلاعات، سیستم‌های اطلاعاتی، تحقیق و توسعه، ایجاد دانش، بهبود فرآیند کسب‌وکار، آموزش کارکنان و تبلیغات در عملیات آن است. این هزینه‌ها شرکت را قادر می‌سازد تا سرمایه‌فکری، فرهنگ شرکتی و سایر مؤلفه‌های سرمایه‌سازمانی را شکل دهد و کارایی استفاده از منابع را بیشتر بهبود بخشد. پیرو آیسفلد و پاپانی‌کولانو (۲۰۱۳)، سرمایه‌سازمانی با استفاده از معادله زیر محاسبه می‌شود:

$$ORG_C_{it} = (1 - OC_0)OC_{it-1} + \left(\frac{SG\&A_{it}}{cp_{it}}\right) \quad \text{رابطه (۲)}$$

اندیس i و t : به ترتیب نشان‌دهنده شرکت و سال است. نرخ استهلاک سرمایه سازمانی (δ_0) است. پیروی پیترز و تیلور^۱ (۲۰۱۷) نرخ استهلاک برابر ۲۰ درصد هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است.

درصد هزینه‌های سرمایه سازمانی (cpit): پیرو مطالعات قبلی (آیسفلد و پاپانیکلو، ۲۰۱۳) ۳۰ درصد هزینه‌های اداری، عمومی و فروش را به عنوان سرمایه‌گذاری در سرمایه سازمانی تشکیل می‌دهد (می‌توان از متوسط شاخص مصرف‌کننده ایران در صورت وجود دوره تحقیق استفاده نمود).

معادله بالا فقط می‌تواند سرمایه انباشته سازمان را اندازه‌گیری کند. بنابراین، مقدار اولیه سرمایه سازمانی باید به طور جداگانه تنظیم شود، همانطور که در معادله ذیل نشان داده شده است:

$$OC_{i,0} = \frac{SG \& A_{i,0}}{g + \delta_0} \quad \text{رابطه (۳)}$$

g میانگین نرخ رشد متوسط هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در دوره پژوهش است. در نهایت، سرمایه محاسبه شده سازمان بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها در پایان سال مالی تقسیم می‌شود، تا یک ارزش استاندارد (OC) ایجاد شود که به شرکت‌های با اندازه‌های مختلف اجازه می‌دهد مقایسه شوند.

۳-۳. متغیرهای کنترلی

برخی از عوامل شناخته‌شده که با انتخاب حسابرس به عنوان متغیر کنترلی رابطه داشته‌اند، به مدل اضافه می‌شود.

اندازه:^۲ برابر با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

ساختار دارایی:^۳ برابر با نسبت موجودی به کل دارایی‌ها است.

اهرم مالی:^۴ برابر با نسبت بدهی‌های کل بر دارایی‌های کل است.

بازده دارایی:^۵ برابر با نسبت سود خالص بر دارایی‌های کل است.

رشد فروش:^۶ برابر با نرخ رشد فروش شرکت نسبت به سال قبل است.

1. Peters & Taylor
2. Size
3. INV
4. Lev
5. ROA
6. Growth

نسبت جاری^۱: نسبت جاری برابر با نسبت دارایی جاری تقسیم بر بدهی‌های جاری تعریف می‌شود.

گردش دارایی^۲: گردش دارایی برابر با نسبت فروش خالص تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها است.

اثرات سال^۳: اثرات سال متغیری دووجهی است، اگر مشاهده در سال مورد نظر باشد، برابر با (۱)، و در غیراین صورت برابر با (۰) می‌باشد.

اثرات صنعت^۴: متغیر دو وجهی برابر با (۱) است، اگر مشاهده در صنعت مورد نظر باشد، در غیراین صورت برابر با (۰) است.

در ادامه، مطالعه داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین، شاخص‌های پراکندگی بیشینه و کمینه انجام بررسی شد. در بخش آمار استنباطی از آزمون رگرسیون لجستیک با اثرات ثابت سال و صنعت برای بررسی فرضیه استفاده شده است. پردازش اولیه داده‌های گردآوری شده جهت دستیابی به متغیرهای مناسب در الگوی رگرسیونی در محیط اکسل انجام شده و برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار استاتا^۵ استفاده گردید.

۴. یافته‌های پژوهش

مطابق پژوهش لیم و همکاران (۲۰۱۹) برای انتخاب حسابرس از دو نماینده متفاوت اندازه حسابرس و حسابرس متخصص استفاده شده است.

۴-۱. روش اول: اندازه حسابرس^۶

۴-۱-۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل پژوهش - روش اول

آمار توصیفی متغیرهای مدل فرضیه روش اول با استفاده از ۱۳۱۰ مشاهده از اطلاعات شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ اندازه‌گیری شده‌اند، که شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه و انحراف معیار است.

1. CURR
2. ATURN
3. YEAR
4. INDUSTRY
5. STATA
6. ACI

جدول ۲- توصیف متغیرهای مدل پژوهش، روش اول

متغیر	نماد	میانه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اندازه حسابرِس	AC1	1.00	0.618	0.486	0	1
سرمایه سازمانی	Org_c	0.06	0.074	0.064	0.002	0.755
اندازه	Size	14.59	14.89	1.745	10.492	21.328
ارزش دفتری به بازار	Inv	0.22	0.238	0.13	0.011	0.899
اهرم مالی	Lev	0.56	0.588	0.307	0.031	4.003
بازده دارایی	Roa	0.12	0.144	0.172	-1.063	0.682
رشد فروش	Growth	0.30	0.391	0.755	-0.909	18.17
نسبت جاری	Curr	1.33	1.674	1.779	0.156	27.095
گردش دارایی	Aturn	0.83	1.031	0.762	0.039	6.679

اگر در توزیعی مقدار میانگین از میانه بیشتر باشد، و مقادیر نمونه مثبت باشند، مقدار چولگی مثبت و چولگی آن توزیع به راست می‌باشد؛ و اگر این مقدار کمتر باشد، مقدار چولگی منفی و چولگی به چپ اتفاق می‌افتد، و اگر مقادیر توزیع اعداد مثبت و منفی باشد، شرایط متفاوت است. اگر میانگین برابر با میانه باشد، توزیع نرمال است. با توجه به نتایج مندرج در جدول (۲) مقدار میانگین (۰/۰۷۴) متغیر سرمایه سازمانی از میانه (۰/۰۶) بیشتر بوده و توزیع آن مثبت است؛ در نتیجه توزیع چولگی به راست می‌باشد.

جدول ۳- کمینه و بیشینه توزیع متغیرهای مدل پژوهش، روش اول

نام متغیر	کمینه	شرح	بیشینه	شرح
انتخاب حسابرِس	0	۵۰۰ مشاهده	1	۸۱۰ مشاهده
سرمایه سازمانی	0.002	۱۳۹۹- چادرملو	0.755	۱۳۹۱- نفت سپاهان
اندازه	10.492	۱۳۹۱- معدنی دماوند	21.328	۱۴۰۰- فولاد مبارکه اصفهان
ارزش دفتری به بازار	0.011	۱۳۹۸- شهید ایران	0.899	۱۳۹۹- فرآوری مواد معدنی
اهرم مالی	0.031	۱۳۹۹- شهید ایران	4.003	۱۳۹۶- پتروشیمی فارابی
بازده دارایی	-1.063	۱۳۹۶- پتروشیمی فارابی	0.682	۱۳۹۹- نوش مازندران
رشد فروش	-0.909	۱۳۹۹- معادن بافق	18.17	۱۴۰۰- معادن بافق
نسبت جاری	0.156	۱۴۰۰- سایپا دیزل	27.095	۱۳۹۹- شهید ایران
گردش دارایی	0.039	۱۳۹۹- معادن بافق	6.679	۱۳۹۸- نفت تبریز

۲-۱-۴. ضریب همبستگی متغیرهای مدل پژوهش- روش اول

جهت بررسی همبستگی متغیرها در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول (۳) آمده است. نتایج به دست آمده بیانگر عدم وجود وابستگی شدید بین متغیرهای مستقل می‌باشد، در نتیجه می‌توان متغیرهای پژوهش را در مدل پژوهش گردآوری نمود و آزمون رگرسیون انجام داد.

جدول ۴- ضریب همبستگی
بین متغیرهای پژوهش، روش اول

متغیر	اندازه حسابرس	سرمایه سازمانی	اندازه	ارزش دفتری به بازار	اهرم مالی	بازده دارایی	رشد فروش	نسبت جاری	گردش دارایی
اندازه حسابرس	1								
سرمایه سازمانی	-0.038	1							
اندازه	0.283	-0.302	1						
ارزش دفتری به بازار	0.013	0.137	-0.166	1					
اهرم مالی	0.047	0.176	0.002	-0.01	1				
بازده دارایی	0.044	-0.122	0.177	0.041	-0.639	1			
رشد فروش	0.01	-0.111	0.116	0.049	-0.109	0.245	1		
نسبت جاری	-0.074	-0.032	-0.024	-0.001	-0.387	0.348	0.163	1	
گردش دارایی	-0.014	0.184	0.072	0.299	0.049	0.09	0.087	-0.048	1

۳-۱-۴. نتایج آزمون مدل پژوهش، روش اول

با توجه به نتایج حاصل از برآوردگر لجستیک در جدول (۴)، مقدار به دست آمده آماره مدل (Chi-square) 214.41 است که این مقدار از مقدار آماره مربوطه در جدول استاندارد بیشتر است. همچنین سطح احتمال آماره مدل برابر با (۰) بوده که کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه مدل آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، و در نتیجه حداقل یک متغیر مستقل و یا کمکی با متغیر وابسته رابطه معناداری در این سطح اطمینان دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه پژوهش، روش اول

$AC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 ORG_C_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 LEV_{i,t} + \alpha_4 INV_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 GROWTH_{it} + \alpha_7 CURR_{it} + \alpha_8 ATUR_{it} + YEAR + INDUSTRY + \varepsilon_{i,t}$				
اندازه حسابرس	ضرایب	خطای انحراف استاندارد	آماره t	سطح احتمال
سرمایه سازمانی	3.112	1.313	2.37	0.018
اندازه	0.387	0.056	6.94	0
ارزش دفتری به بازار	1.345	0.585	2.3	0.022
اهرم مالی	0.231	0.332	0.7	0.487
بازده دارایی	1.097	0.632	1.74	0.083
رشد فروش	-0.126	0.101	-1.25	0.211
نسبت جاری	-0.116	0.044	-2.66	0.008
گردش دارایی	-0.448	0.11	-4.06	0
عرض از مبدأ	-7.65	1.324	-5.78	0
Pseudo r-squared	0.123			
Chi-square	214.41			
سطح احتمال آماره فیشر	۰,۰۰۰			
اثرات سال و صنعت	کنترل شده است			
اثرات استحکام (vce(robust))	اعمال شده است			
تعداد مشاهدات	۱۳۱۰			

مقدار ضریب تعیین (Pseudo r-squared) ۰/۱۲۳ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۱۲ درصد از تغییرات متغیر اندازه حسابرس تحت تاثیر متغیر مستقل و سایر تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل می‌باشد. مقدار سطح احتمال برای متغیر سرمایه سازمانی برابر با ۰/۰۱۸ می‌باشد و این مقدار از ۰/۰۵ کمتر است. همچنین قدرمطلق مقدار آماره تی - استیودنت ۲/۳۷ بوده که از ۱/۹۶ بیشتر است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، سرمایه سازمانی بر اندازه حسابرس تاثیر معناداری دارد. با توجه به مقدار ۳/۱۲ ستون ضرایب این متغیر، رابطه مثبت می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه پژوهش تایید شد. سرمایه سازمانی تاثیر مثبتی بر انتخاب حسابرس دارد.

۴-۱-۴. ضریب همبستگی متغیرهای مدل پژوهش - روش اول

ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول (۶) آمده است. نتایج به دست آمده بیانگر نبود وابستگی شدید بین متغیرهای مستقل می‌باشد، در نتیجه می‌توان متغیرهای پژوهش را در مدل پژوهش گردآوری نمود و آزمون رگرسیون انجام داد.

جدول ۶- ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش، روش دوم

متغیر	تخصص حسابرس	سرمایه‌سازمانی	اندازه	ارزش دفتری به بازار	اهرم مالی	بازده دارایی	رشد فروش	نسبت جاری	گردش دارایی
تخصص حسابرس	1								
سرمایه‌سازمانی	-0.062	1							
اندازه	0.415	-0.319	1						
ارزش دفتری به بازار	-0.164	0.118	-0.204	1					
اهرم مالی	0.066	0.175	0.061	-0.043	1				
بازده دارایی	0.072	-0.105	0.109	0.078	-0.63	1			
رشد فروش	-0.042	-0.141	0.168	0.009	-0.078	0.253	1		
نسبت جاری	-0.058	-0.021	-0.047	-0.002	-0.347	0.331	0.107	1	
گردش دارایی	-0.187	0.333	-0.178	0.363	0.085	0.022	0.18	-0.06	1

۴-۱-۵. نتایج آزمون مدل پژوهش، روش اول

با توجه به نتایج حاصل از برآوردگر لجستیک در جدول (۷)، مقدار به دست آمده آماره مدل (Chi-square) 271.894 بوده که این مقدار از مقدار آماره مربوطه در جدول استاندارد بیشتر است. همچنین سطح احتمال آماره مدل برابر با (۰) بوده که کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه مدل آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، و در نتیجه حداقل یک متغیر مستقل و یا کمکی با متغیر وابسته رابطه معناداری در این سطح اطمینان دارد.

مقدار ضریب تعیین 0.201 می‌باشد، که نشان می‌دهد ۲۰ درصد از تغییرات متغیر تخصص حسابرس تحت تاثیر متغیر مستقل و مابقی تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل می‌باشد. مقدار سطح احتمال برای متغیر سرمایه‌سازمانی برابر با 0.007 می‌باشد و این مقدار از 0.05 کمتر است. همچنین قدرمطلق مقدار آماره تی - استیودنت 2.68 بوده که از 1.96 بیشتر است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، سرمایه‌سازمانی بر تخصص حسابرس تاثیر معناداری دارد. با توجه به مقدار 0.43 ستون ضرایب این متغیر، رابطه مثبت می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه پژوهش تایید شد. یعنی سرمایه‌سازمانی تاثیر مثبتی بر انتخاب حسابرس دارد.

http://sebaa.journal-qom-iau.ac.ir/

جدول ۷- نتایج بررسی و آزمون فرضیه دوم پژوهش

$$AC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 ORG_C_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 LEV_{i,t} + \alpha_4 INV_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 GROWTH_{it} + \alpha_7 CURR_{it} + \alpha_8 ATUR_{it} + YEAR + INDUSTRY + \varepsilon_{i,t}$$

تخصص حسابرس	ضرایب	خطای انحراف استاندارد	آماره t	سطح احتمال
سرمایه سازمانی	4.043	1.508	2.68	0.007
اندازه	0.757	0.07	10.79	0
ارزش دفتری به بازار	-0.933	0.665	-1.4	0.16
اهرم مالی	0.787	0.345	2.29	0.022
بازده دارایی	2.538	0.644	3.94	0
رشد فروش	-0.463	0.203	-2.28	0.023
نسبت جاری	-0.082	0.055	-1.48	0.14
گردش دارایی	-0.564	0.181	-3.12	0.002
عرض از مبدأ	-11.18	1.074	-10.41	0
Pseudo r-squared	0.201			
Chi-square	271.894			
سطح احتمال آماره فیشر	۰,۰۰۰			
اثرات سال و صنعت	کنترل شده است			
اثرات استحکام (vce(robust))	اعمال شده است			
تعداد مشاهدات	۹۹۰			

۲-۴. روش دوم: تخصص حسابرس (AC2)

۱-۲-۴. آمار توصیفی متغیرهای مدل پژوهش- روش دوم

آمار توصیفی متغیرهای مدل پژوهش در روش دوم با استفاده از ۹۹۰ مشاهده از اطلاعات شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ در صنایع، با تعداد شرکت دورقمی اندازه‌گیری شده‌اند، که شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه و انحراف معیار است؛ زیرا برای محاسبه تخصص حسابرس در صنعت، از صنایع با تعداد شرکت‌های دورقمی استفاده شده است.

جدول ۸- توصیف متغیرهای مدل فرضیه روش دوم

متغیر	نماد	میانه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تخصص حسابرس	AC2	0.00	0.431	0.496	0	1
سرمایه سازمانی	Org_c	0.06	0.076	0.061	0.007	0.608

متغیر	نماد	میانۀ	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اندازه	Size	14.64	14.894	1.668	10.533	21.328
ارزش دفتری به بازار	Inv	0.22	0.238	0.13	0.011	0.899
اهرم مالی	Lev	0.57	0.606	0.328	0.031	4.003
بازده دارایی	Roa	0.11	0.131	0.175	-1.063	0.682
رشد فروش	Growth	0.29	0.359	0.53	-0.715	6.112
نسبت جاری	Curr	1.31	1.632	1.783	0.156	27.095
گردش دارایی	Atum	0.82	0.979	0.625	0.07	5.776

با توجه به نتایج مندرج در جدول (۹) مقدار میانگین (۰/۰۷۶) متغیر سرمایه‌سازمانی از میانۀ (۰/۰۶) بیشتر بوده و توزیع آن مثبت است؛ در نتیجه توزیع چولگی به راست می‌باشد.

جدول ۹- کمینه و بیشینه توزیع متغیرهای مدل پژوهش، روش دوم

نام متغیر	کمینه	شرح	بیشینه	شرح
تخصص حسابرس	0	۵۶۳ مشاهده	1	۴۲۷ مشاهده
سرمایه‌سازمانی	0.007	۱۳۹۸- پتروشیمی آبادان	0.608	۱۳۹۱- سیمان فارس نو
اندازه	10.533	۱۳۹۲- الومراد	21.328	۱۴۰۰- فولاد مبارکه اصفهان
ارزش دفتری به بازار	0.011	۱۳۹۸- شهید ایران	0.899	۱۳۹۹- فرآوری مواد معدنی
اهرم مالی	0.031	۱۳۹۹- شهید ایران	4.003	۱۳۹۶- پتروشیمی فارابی
بازده دارایی	-1.063	۱۳۹۶- پتروشیمی فارابی	0.682	۱۳۹۹- نوش مازندران
رشد فروش	-0.715	۱۳۹۸- پارس خودرو	6.112	۱۳۹۷- شهید ایران
نسبت جاری	0.156	۱۴۰۰- سایپا دیزل	27.095	۱۳۹۹- شهید ایران
گردش دارایی	0.07	۱۳۹۸- شهید ایران	5.776	۱۳۹۸- الومراد

۵. نتیجه‌گیری

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد سرمایه‌سازمانی تاثیر مثبت و معناداری بر انتخاب حسابرس از نظر اندازه و تخصص دارد. نتایج این مطالعه برای تکمیل ادبیات حسابرسی با تشریح یک عامل تعیین‌کننده دیگر در انتخاب حسابرسی شرکت، استدلال می‌کند که شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری بیشتری در سرمایه‌سازمانی دارند، تمایل به تقاضای حسابرسی با کیفیت بالا دارند. به دلیل ناملموس بودن ویژگی شرکت، سرمایه‌سازمانی ممکن است عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد بیرون و درون سازمانی شرکت را تشدید کند که می‌تواند مشکل‌ساز باشد. با توجه به اینکه حسابرسی با کیفیت بالا می‌تواند به طور موثر عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد، شرکت‌هایی با سرمایه

سازمانی بیشتر تقاضای بیشتری برای حسابرسی با کیفیت بالا خواهند داشت. با بررسی نقش سرمایه سازمانی در انتخاب حسابرس، این مطالعه به گسترش افق مطالعه کنندگان برای درک اهمیت منابع نامشهود شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت کمک می‌کند. سرمایه سازمانی به مثابه دارایی نامشهود می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را در پی داشته باشد. این عدم تقارن اطلاعاتی موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت می‌شود. بر این اساس، شرکت‌هایی با سرمایه سازمانی بیشتر تمایل به انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر، برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، برای تهیه اطلاعات با کیفیت دارند. نتایج یافته‌های این مطالعه همسو با پژوهش لیم و همکاران (۲۰۱۹) است. آنها نشان دادند که سرمایه سازمانی به طور مثبت با نماینده‌های حسابرسی با کیفیت بالاتر، مرتبط است. نظر به اهمیت گزارشگری سرمایه سازمانی و حسابرسی آن، پیشنهاد می‌شود تنظیم‌کنندگان مقررات در حسابداری و گزارشگری مالی به الزامات سرمایه سازمانی توجه کنند و قوانین و مقررات مربوط به گزارشگری سرمایه سازمانی را بهبود و استاندارد نمایند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران، اساتید، پژوهشگران و سایرین، سرمایه سازمانی را به عنوان عامل موثر بر کیفیت گزارش‌های مالی که توسط مدیران به کار گرفته می‌شود را مورد توجه قرار دهند. پیشنهاد می‌شود در پژوهشی مستقل نقش اندازه شرکت و محدودیت مالی بر رابطه بین سرمایه سازمانی و انتخاب حسابرس شرکت‌ها بررسی شود.

منابع

- حساس‌یگانه، یحیی؛ حیدری، رسول (۱۳۸۸). عوامل موثر بر انتخاب داوطلبانه حسابرس. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۶(۲۲)، ص ۲۳-۴۵.
- خواجوری، شکراله؛ پورگودرزی، علیرضا؛ سرمدی‌نیا، عبدالمجید (۱۳۹۸). رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و انتخاب حسابرس با تاکید بر شهرت حسابرس شرکت. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۸(۱۴)، ص ۴۳-۶۶.
- رمضان پورشلمانی، حسن (۱۳۹۹). *مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و انتخاب حسابرس*. در: کنفرانس ملی بهبود و بازسازی سازمان‌ها و کسب‌وکارها.
- صباغیان‌طوسی، امید (۱۳۹۲). *اثر کیفیت حسابرس منتخب بر هزینه سرمایه در شرکت‌های با ارزش پرتفوی بورسی متفاوت*. در: مشهد: یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- عسکرزاده، غلامرضا؛ رسالت، ملیحه (۱۳۹۸). *رابطه بین سرمایه‌سازمانی و انعطاف‌پذیری بازار کار با بازده سهام*. در: دومین کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین در مدیریت کسب‌وکار. دانشگاه تهران.
- قجریگی، مهسا؛ سجادی، سحر (۱۴۰۰). *بررسی تأثیر سطح سرمایه‌سازمانی بر نگهداشت وجه‌نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۵(۶۸)، ص ۱۷-۳۰.
- مرادی، مهدی؛ امیدفر، مهدی (۱۳۹۵). *بررسی رابطه بین مالکیت و تصمیم به تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران*. *اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق)*، ۲۳(۱۲)، ص ۶۵-۹۰.
- مهدوی، غلامحسین؛ منفرد مهارلونی، محمد؛ ابراهیمی، فهیمه (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر نظام راهبردی شرکتی بر اندازه مؤسسه حسابداری منتخب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*. *بورس اوراق بهادار*، شماره ۱۳، ص ۱۳۵-۱۵۵.
- Atkeson, A. & Kehoe, P.J. (2005). Modeling and measuring organization capital. *Journal of Political Economy*, No. 113, p. 1026-1053.
- Barth, M.E. & Kasznik, R. (1999). Share repurchases and intangible assets. *Journal of Accounting and Economics*, 28(2), p. 211-241.
- Black, S.E. & Lynch, L.M. (2005). *Measuring organizational capital in the new economy*. In: *Measuring Capital in the New Economy*. University of Chicago Press, p. 205-236.
- Carlin, B.I., Chowdhry B. & Garmaise M.J. (2012). Investment in organization capital. *Journal of Financial Intermediation*, 21(2), p. 268-286.
- Chen, C.J., Chen, S. & Su, X. (2001). Profitability regulation, earnings management, and modified audit opinions: Evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20(2), p. 9-30.
- Davidson, R.A. & Neu, D. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary Accounting Research*, 9(2), p. 479-488.
- DeAngelo, L.E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3(3), p. 183-199.
- Demerjian, P., Lev, B. & McVay, S. (2012). Quantifying Managerial Ability: A New Measure and Validity Tests. *Management science*, 58(7), p. 1229-1248.
- Edmans, A. (2011). Does the stock market fully value intangibles? Employee satisfaction and equity prices. *Journal of Financial Economics*, 101(3), p. 621-640.
- Eisfeldt, A.L. & Papanikolaou, D. (2013). Organization capital and the cross-section of expected

- returns. *The Journal of Finance*, 68(4), p. 1365–1406.
- Eisfeldt, A.L. & Papanikolaou, D. (2014). The value and ownership of intangible capital. *American Economic Review*, 104(5), p. 189-194.
- Evenson, R.E. & Westphal, L.E. (1995). Technological change and technological strategy. *Handbook of Development Economics*, 3(1), p. 2209-2299.
- Fuerman R. (2006). The Auditor Quality of Arthur Andersen to that of the Big 4. *Accounting and the Public Interest*, 6(1), p. 135-161.
- Healy, P.M. & Palepu, K.G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3), p. 405-440.
- Jensen, M.C. & Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), p. 305-360.
- Krishnan, G. (2007). Did Earnings conservatism increase for former Anderson clients? *Journal of Accounting Auditing and Finance*, 22(2), p. 141-163.
- Krishnan, J., Li, C. & Wang Q. (2013). Auditor industry expertise and cost of equity. *Accounting Horizons*, 27(4), p. 667-691.
- Lev, B. & Radhakrishnan, S. (2005). *The valuation of organization capital*. National Bureau of Economic Research, Inc, Cambridge, MA.
- Li, K., Qiu, B. & Shen, R. (2018). Organization capital and mergers and acquisitions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 53(4), p. 1871-1909.
- Li, W. & Zhang, Z. (2015). *Acquiring Organization Capital*. Working Paper.
- Lim, J., College, H. & Qin, J. (2019). Organization Capital and Firm Auditor Choice. *Journal of Accounting and Finance*, 19(7).
- Lustig, H., Syverson, C. & Van Nieuwerburgh, S. (2011). Technological change and the growing inequality in managerial compensation. *Journal of Financial Economics*, 99(3), p. 601-627.
- Mohd, E. (2005). Accounting for software development costs and information asymmetry. *The Accounting Review*, 80(4), p. 1211-1231.
- Peters, R.H. & Taylor, L.A. (2017). Intangible capital and the investment-q relation. *Journal of Financial Economics*, 123(2): p. 251-72.
- Prescott, E.C. & Visscher, M. (1980). Organization capital. *Journal of Political Economy*, 88(3), p. 446-46.
- Reichelt, K.J. & Wang, D. (2010). National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. *Journal of Accounting Research*, 48(3), p. 647-686.
- Stein, J.C. (1989). Efficient capital markets, inefficient firms: A model of myopic corporate behavior. *The Quarterly Journal of Economics*, 104(4), p. 655-669.
- Watts, R.L. & Zimmerman, J.L. (1986). *Positive accounting theory*. New York, NY: Prentice Hall.